

فکر و سیاست

ساحت افکار و نوشته سیاسی - میرزا رفیع

میت یاسی

سال نو - آینده پیمانه

سال گذشته بشد ظرافت زمانی ایران و بخت بر ساحت این مملکتی دهان بر یک سال نو آمده اسرار آید...

دید نو

خیال داشتیم در این شماره شده از آگاه و عقاید مختلفه را راجع به نوروز بنظر قاریان رسانیم...

مکتوب

عزیز

از قرائت آخرین مقاله شریف شما که بشی انقلاب سماه کرد بودید در عین ولایت خوشنود شدم که خود شما از قبل قتل ولایت معاصر دفاع کرده اید...

در مقابل مقالات علمی اجتماعی اگر نویسنده بخواند جواب بنویسد البته شایسته است که جواب آفرین علمی و اجتماعی باشد و از داخل شدن در شخصیات کاملاً اجتناب نماید...

چه کلمه کلمه بنظر منی است و باید گفت این مکتوب را نگارنده برای آوردن اند و لی عقیده نویسنده این است که این کلمه کلمه در ایران از قدیم بوده شاید در آنها اسم لغوی اثر داده باشد...

چنانکه ما معلوم نیست که بام شادمانی و روزگار خوشی باشد دوست است بهار می آید ولی کوه دل خوش کرده از بهار استفاده نماید...

۵ صفحه ۳۳

بی دلم ویر زین دیار من به پای خود میروم عاشق از بر مشوق دوو شد عاشقم عاشقم عاشقم...

منافقه چون قیلا چند نر از وکلا بهامداری افقی حاجی میرزا علی محمد جدا مقام وزارت داخله را برای آقای قوام الدوله...

و کلا اداره ما آمده قضیه را ذکر نموده و آنها حدس میخورد که این کاپله با این مشکلات مقاومت نخواهد کرد و معلوم نیست تا چند روز دیگر این دولت در حیات...

### تصحیح

افکار بدینکه نوهار هفتگی با چندی منتشر خواهد شد - لازم دانستیم يك اشتباه ادبی كه در شماره ( ۲۸ ) نوهار در ضمن قصیده دماوند واقع شده است تصحیح شود : در آخر قصیده يك بيت واقع شده كه در آنجا بين كوه ( وزو ) كه ولكان ( یعنی ) در آت واقع شده بوده و كوه ( آت ) كه آتش فشان سبیل در سالیان اخیر در آن وقوع پیوسته است اشتباه دست داده و این اشتباه هم مربوط یکی از فضاحت كه اصرار کرده بود - اثبات نماید كه قله آتش فشان سلسله ( وزو ) همان قله ( آت ) بوده - و عاقبت لغت ( ولكان ) كه در اصل شعر بوده است و لغت ( آت ) تبدیل یافته و يك اشتباه مزبور واقع واصل شعر مزبور بطریق ذیل اصلاح میشود :

چونانكه بشاوسان [ بی ] ، ولكان داخل معنی افكند  
استعدا داریم مشتركین محو بیت را بدین طریق اصلاح بفرمایند -  
و فضایی قوم این تخری را بهر انشایی بنگرد .

دفتر نوهار

اگر چه كاپنه هم ..... نمی فهمد  
ما این كاپنه را همیشه مجبور و صاحب معرفتی  
نموده ایم بدین اقد دوست داشتن همسرش  
و محبوبیت رئیس الوزراء كوتی نصیب  
دارند

اما مثافه در این يك عامه نمیمی كه  
زمام امور را دوست گرفته اند نواشته  
اند كه لا موجدیات خود را برای اصلاح طلبان  
را جلب نمایند

.....

حاصله ام - سررفت  
رئیس الوزراء كوتی با كمال شرمندگی  
خطاب میگفت :

آقای رئیس الوزراء واقع حوصله من  
و حوصله عموم علاقه مندان بشما سررفت  
این چه وضعی است در سنی و محرم بیت  
شما جواب انتظارات اصلاح طلبان را  
نمیدهند

مردم منتظر بودند كه شما در هر  
چه زودتر يك اقداماتی بكنید كه دراز  
آز اقدامات سر نما سر طهران بكنید سر  
نما سر ایران كسرت كه آواز هله و  
شادمانی آزادی خواهان و اصلاح طلبان  
كرد چاشد كه نشد

آقای رئیس الوزراء بر فرض آنكه  
مواقعی برای اینگونه اقدامات در پیش  
داشته باشید املا شما بكنه وی شجاعت و  
مناعت و استقامت بخرج بدهد

آقای رئیس الوزراء از این وكلا  
فیه ابداء روح ملت از جریان انتخاب آنها  
اطلاعه ندارد شما چه و اینه دارید بر سر  
فرض دوز و كبل ..... آمدند و شما  
گفتند كه وزراء جدید را امروز معرفی  
نمائید شما را چه و اینه كه حرف آنها  
را بشنود

آقای رئیس الوزراء شما خپل میفهمد  
كه فقط و كلا صاحب اختیار اوضاع  
این مملكت هستند رای ما و اینه مكان ( یعنی  
ما سلطنت كننده كان در افكار عامه ) هیچ  
مداخله نداریم

### ای بچه های انقلاب

ای اهلانكه در موقع انقلاب  
بچه بودید و مدرسه میرفتید و حالا  
بزرگ شده و از مدرسه بیرون آمده اید این  
است اوضاع مملكت و دیوان شما سر زمین شما

را باین روز نشاندند و حالا هم بهر ط  
این خرابی را شما بپایم نمی كنید و نخواهند  
اقرار انرا خراب كنید كه دیگر قابل تعمیر  
نماید انوقت ما با شما بپایم نمائید

رفقا برادرهای عزیز !  
باید از حالا برای كبری بپایم رفقا  
خودمان را مشتمل مفسدات نمائید  
و مملكت را مملكت تبدیل را نمائید  
استبر نماید ولی مردمان فعال كمالاتی  
نوازند حوادث را استبر خود نمائید  
روزگار هم كوله صدقات و بلیات  
رای نوع بشر نموده دارد

زمستان برف میبارد نمایان گرماها  
را لغت نمائید  
انسان نمیل كه در یكجا نشسته و از  
جای خود حرکت نمی نماید كه ملا اسیر  
روزگار و حوادث است یعنی برف زمستان  
روی اومی یارد و انقبای تابستان بر او  
می نماید او هر چه بخواهد از قفس آزادی  
زمانه ببالد بی ربط است

زیرا این حوادث برای مردمان فعال  
نبردست ولی مردمان فعال برای چاره كبری  
از صدمه برف زمستان اطاف گرم تهیه میکنند  
و برای سیاحت از گرمای تابستان زیرزمین سرد

پس حوادث مردمان فعال را می  
نوازند استبر نماید و پس  
و اینه بپایم بپایم فعال چندان فاشی نیست

این از ادب انقلاب شما بپایم این حوادث را  
قضا و قدر و پیش آمد غیر قابل علاج  
نمائید وای بر شما و وای بر آینده این  
این مملكت كه بالاخره زمانه داران آتیه ان  
شما بپایم

ولی اگر بخواهید ایمان بیارید باینكه  
میتوان باندبر وفاء ملت از حوادث ناگوار  
چاره كبری كرد در صدد باشید

كه دست رجزال كه تا وفاسد دوره انقلاب را  
از كار گرفته كنید و خود شما كه هزار بار  
استعداد و ابتكارات پیش از انقلاب بروی  
كار بپایم و آنچه لازم جلب سعادت و ترقی  
و تمدن معاصر این مملكت است فراهم  
نمائید

رفقای عزیز  
نگذارید كه زمانه شما را استبر نماید  
شما زمانه را استبر كنید  
من انشیم كه بگردد تدبیر مملكت  
تسلیم هرزه كرد قضا و قدر كنم  
زیر و زور اگر انشیم گنج خصم ما  
ای جریخ زیر و زوری نو و زور كنم

.....  
.....  
.....

### دارالشورای

خلاصه مذاكرات جلسه يكشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۰۱

مجلس دوازدهم قبل از ظهر برپا شد  
آقای مومنان الملك تشكيل صورت جلسه  
روز قبل قرائت و تصویب گردید  
پس از آن لا به لا به املا باز كل شرح حاجی  
معین القجار و شهوری مطرح و دو ادول و دوم  
ان قرائت با اصلاحات لازمه تصویب گردید  
ماده ششم قرائت و مذاكراتی در اطراف  
آن شده چون عده برای رای کافی نبوده  
آقای رئیس جلسه را برای نقش نمطیل نمودند  
پس از نیم ساعت مجددا جلسه برپا شد  
آقای نایب رئیس تشكيل گردید

آقای تدین عقیده شان این بود باینكه  
در لایحه مقدمی دولت قید شده كه صاحب  
امتیاز ملزم است سالی صد هزار تومان  
بدولت بپردازد

این مطلب را هیچ شخص عاقلی نمی  
پذیرد و ممكن است كه بالفرض اگر هم او  
سلب منفعت خود نموده و حاضر شود این  
مبلغ را در سال تادیه كند حوادث و رخ دهد  
كه شخص صاحب امتیاز از پرداخت  
این مبلغ معذور شود باید در هر صورت  
ماد لایه رفتار شود بپایم من بهتر این است  
كه حاجی معین القجار ابتدا دعای خود  
را نسبت بدولت اقبات كند و پس از  
آن در موضوع امتیاز هم دولت بدارند  
امتیاز شركت كند و سدی بجاه از عایدات  
در سال بدولت بپردازد با الا آخره در این  
موضوع پیشاهاد از زیادی از طرف بعضی از  
آقایان شده و هر يك مباحثی در اطراف  
آن بیانات نمودند و هیچ كدام

.....

عشق فوق العاده باو داشت ولی چو بی بود و از عشق به سر فوق  
الما ده نیت بپایم اظهار نمی كردم شش ماه است پیش من است خیل  
ما هوش است اعجب دوا ها را می شناسد من نیل میبگم اگر چه و پنج  
سال نزد من بماند تصور میبگم بیشتر من اطلاعات در طب پیدا کرده و بیک  
دکتر خری بشود

حاجی - آخر من الان بکمال نیم است این به و اندیشه ام حالا  
بیشتر دست از او بردارم

بچه گدا - اگر بخوای بیور من و از از نزد هانر بیری من خودم  
را خوا هم داشت

دکتر - من هم اگر بخواهید غزال را برده و از من جدا کنید خود را  
مردم خوا هم کرد

حاجی - چه عیب دارد موا فی قانون با بیکدیگر زندگانی کنید و برای  
من عیب نیست و بخار است و دخترم را پیش شما آدمی شوهر داد ام

دکتر - اما میباید که در ظل سرحت شما با بیکدیگر سعادت مند  
زندگانی کنیم

دکتر - غزال - ( با مقام میفرماید )

بعد از این شکر شادمانی است شادمانی است کامرانی است

روزی از کند گینه روزگار روز د بگوش مهربانی است

قال نوهار واقع شده و بنا صل ماده  
پشمانی است بپایم رای گرفته و تصویب  
شد

آقای رئیس الوزراء و هیئت دولت  
مقرن ظهر برای معرفی آقایان بهاء الملك  
و حاجی معین السلطنه و ادب السلطنه به  
مجلس آمده ولی در جلسه حاضر نشدند  
از رای آقای نایب رئیس بایشان ابلاغ  
شد كه در جلسه برای معرفی آقایان حضور  
بفرمایند و از قرار بواسطه مخالفت بعضی  
از آقایان از حاضر شدن در جلسه امتناع  
ورزید و جلسه آتیه بصر امروز موکول  
شده مجلس شنبه یافت

لگرفات بی نسیم سكو  
مورخه ۱۷ مارس

در جمهوریهای ساقی

سكو ۱۴ - بمناسبت جشن بیست

پنجمین سال تاسیس حزب کمونیست روس

( بالشوك ها ) كميته مركزي حزب بپا بپا

خطاب برنجبران و دهاقین روسیه انتشار  
داده و در ذیل آن اشعار میدارد كه در

میت میارزه بیست و پنج ساله حزب كمونیست

علاقه زیادی با كارگران بهم رسانده و حتی

مرجم كارگران بطرف واقع گردیده

رفیق یو خادین در

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

ایفای قرن بیستم

چون فانی از پیشگامان خارج از حدود موضوع مسافه قرن بیستم قلم فرسایی کرده و بهر چه در این شماره به آن اشاره کردیم، اما در این شماره است که درج کنیم و این مرد زن جوان - به استناد لاجرم چون سابقه اقبالیات میکند و نشان میدهد که بزرگوار است او - هر چه بزرگوارتر شود و نشان میدهد که از این مدیر محترم در شماره ۱۲ در شماره شریفه در فوق اهلیای مریم رفعت و مناجات با ایدر راجع به مسافه قرن بیستم و گفته فرانسویها مقاله نوشته شده و فانی بعد از مدتی این نامه را در شماره ۱۳ از ایشان تقدیم کرده و مطالب حق را با او قلم میخواستند و این نامه را بنگارنده بود و چون این نامه قلمی نداشت که چیزی بنگارم اما این نشان الکن و قلم شکسته خود چند سطر در این راجع به فانی نوشتند آقای افغانی بعد از مدتی بهمانی ذکر میکنم - اولاً ایشان مرقوم و بهادر مردان و جبهه و صاحب اول درجه ایزن قرار دارند آنها را تمجید میکند و این خود واضح است اگر مرقوم زلفی را با این صفات بیندیشد باو میل آید که دیگری که جادو کننده و مهندس سرگرم باشد و علاوه بر این خود ایشان را در و بزرگوار مردان و جبهه و صاحب غول البته تصدیق میکند که همیشه اقبالیات و بزرگوارها و متوالین است و در دنیا حق بطرف انزلیت بود است و امروز فانی بزرگوارها و زشت ها و بی غول ها است چنین نیست ؟ چنانچه البته خود فانی تصدیق بحق شکلی خود خواهند کرد

در چه خود بنده از طایفه اند و جزء آن طایفه محسوب میشوم و باید به موافق اقتضای طبیعتی و فطری حق بجانب خود بگیرم - لیکن با وجود اینها حق شکلی را از او میبایم و قیاس و قیاس اسم و در تعداد نامی حق شکلیان در خود همانطور که خانم محترمه فرموده اند اکثریت با او دان است که در عتب و بهائیت مکر مدعی که قویست و مزوره ذکر کرده اند و فرموده اند و لازم توضیح نیست مثلاً طایفه میبینیم که همیشه مردان خواستگار برای زنان بهائیان آنها می آیند تاکنون دیده نشده که زنی خواستگار برای شوهر کردن بخانه کسی می آید

البته راجع به موضوعی که به فرمایش زبانی سفرای نقاب نمود و مسئله چاک زدن بر این و غیره عرض میکنم بهمان دلیل فوق این هم یکی از او در بوده است بنده نمیگویم که زنان هیچوقت غیب مردان را نمیکشند بلکه میگویم آيا زن را با زن افسان نیست ؟ فقط عرض من در اینست که امروز اکثریت غیب مردان است از آن را

دیگر این راجع به مسموم نمودن حسن مجتبی - فرمودند عرض میکنم که ملا - مسموم نمودن صحیح است که زن امام حسن ان حضرت را مسموم کرد و در آن عمل بزرگ میسرید ؟ خوبست قدری تمهیدی کنیم و در اینجا حریف رژیم می گویند که پس از حضرت امام حسن ص معاویه این ابی سفیان خلیفه شد و بطور معلوم میشود که معاویه برای خیل جاه طلبی خود زن حضرت را گرفت و همان دلیلی که خاتم رفعت زاده فرموده اند زن زود را است [ ] فریب او را درده و سم را در داخل کوزه آب حضرت نمود

آیا معاویه مرد نبود ؟  
راجا آقای بهمانی اشعار فردوسی و سعدی را شاهد مطالب خود گرفته بنده کان میکنم هر یک از این شعراء در وقتی از زن خود باین دیگری بدی

صفحه ۳۵

دارد عمر مرد یادگار ها عشق یادگار جوانی است  
بخواب آمد دیشب مرا مهتاب  
چه خوب امشب تعبیر شد این خواب  
با قیاس آفرین به بخت احسن  
شدم من تو تو مال من

فرمان علی - در رو به شبانه خام کرده تا شوهر ترا انتیاحه بیاورد (دانش گرفته بیروت میکند) (در بغداد) خاک بستر من یکسال نوم زحمت کشیدم حالا عاشقم عاشقم نتیجه اش شد خاک بر سرت فرات تو سعادت نداشتی جادوگر بشوی حالا میخواهد باز دلت بکشد حالا باز هم بنویسم که از خر شیطانی پیاده شو و با من برویم تو مدتی زحمت کشیدی یک شش ماه دیگر با من میماند که چا دو کز شوی  
مهرال - تو مرا یکسال اول زدی از پدر و مادرم جدا کردی از آن گذشته دگر پیغامه و چقدر اذیت کردی علاوه بر این مشغولی قلب را تو در دیدی طایلاً حرف دای الال آژان تو را با پدر بخت بخت شوی

دید و داری داشته که این اشعار را گفته اند و لا حالات شماری ما محرومان - و بیخام و غیره نسبت بران واضح است  
پس من بر خلاف حق شکلی آقای بهمانی عقیده داشته و عقاید صاف و بی غل و غش خاتم رفعت زاده را که ملا تصدیق میکنم و بخود آقای اسید محمدانی خطاب کرده و بهر چه این حق شکلی نبوده ؟ و پس از آن با صدای جلی میکنم مردان عربی نسبت زنان در دنیا ظلم و جور و احمق و تعدی روا داشته اند امروز روزی است که انسان دست از استبداد برآورد و با آنچه آور و غضب حقوق متعلقه خود را در یافت دارند ای زنان ایران بیدار شوید بیدار !  
ایرج اسکندری محصل مدرسه علوم سیاسی

روزنامه پر اودا بهنویسند که در سلمات  
حزب نهضیات انقلابی با طریقه عمل نوام  
بوده و پیوسته رابطه مستقیم بین افواج  
اهلین حزب کمونیست روس و احتیاجات  
نودهای توسعه وجود داشت

مسکو ۱۴ - در ضمن مقالاتی که  
جراشه محلی در اطراف باد داشت اخیر  
چهره چین و را کوسکی راجع به مسئله کالپس  
شرقی می نگارند که جوامع ساوئی در  
مقدرات سگه او کرانه های کالپس شرقی علاوه  
مستقیم دارند

مسکو ۱۴ - در یاد داشت جوابیه  
که رفیقین چهرین بدوات افسان اظهار  
نموده است اظهارات صالح بیوانه دولت  
افسان در مسئله افسان و لپونا نیرنگ  
گفته و اشاره دولت افسان که و با وساطت  
جمع اتفاق ملی میدهد خواهد بود و در  
نموده و ضمناً متذکر شده است که وساطت  
روسه ساوئی و سایر دول بهر مرض ممکن  
است اختلاف افسان و لپونا را بطریق صالح  
حل و منویه کند

در نواحی اشغال شده

ایران ۱۰ - در آخر اعتصاب کار  
کران مطابق که نقاشی اضافه حقوق میکنند  
شروع کردند در ناحیه اشغال شده جرایم  
انتشار نمی یابند

اعتصاب  
ریکا ۱۰ - اعتصاب کارگران  
مطابق ادامه دارد صاحبان آنها از دادن  
تخفیفات امتناع دارند

اخبار واخله  
ورود  
دیروز یک ساعت و نیم بهر وب ماند  
تیمبندی دولت عثمانی وارد فوجان تصرف  
عموم بیداری شایسته بود  
گروس  
عبدالمجید پاشا ریاست انجمنه در نتیجه  
شکایت متوالیه اهلان برجست امر وزارت  
داخله او ریاست انجمنه منقض شده  
بود دیشب بی خبر از فضا حرکت می نمایند

از قرار معلوم نزدیک دوستان تومان به اهالی  
مقروض و بواسطه عدم پرداخت آن طلب  
کاران از حکومت مطالبه دارند  
و اپورت درجه  
نوروز نام در بنگال قبل بمیال خردش  
مطون میشود که با بوسه نام که هر دو اهل  
نوخدان هستند بارتکاب فعلی شایع مشغول  
است در سدد قتل هر دو بر میاید بوسه  
قرار میکنند تا چهار شب قبل هر قبی که  
نوروز بکره رفته بوده است منزل نوروز  
میاید در موقی که بوسه با عیال نوروز  
نقشه محبت میکرده اند اتفاقاً نوروز وارد  
و بعد از مختصر تازی بوسه قرار میکنند  
بج اهالی قلمه دیده اند نوروز مقفود و  
عیال مشار الیه مر حوم شد حالیه نوروز  
دستگیر و در توقیف حکومت اقرار کرده  
که چون عیال بد اخلاق بوده او را خفه  
کرده ام

جنایت  
بطوریکه از عباس آباد راپورت میدهند  
دیروز شبیه کبری نام بواسطه قات نقشه  
دختر خود با دامادش نزاع میکند شوهر ضعیفه  
مرتضی نام قهر و جی مدافع شد منزل دامادش  
میاید که عیالشی را ببرد ضعیفه ای فحاشی  
را گذاشته مرتضی لکدی به بهلوی مشار  
الیه زده از ضرب لکدی ضعیفه درد  
گرفته بعد از تجمیعت فوت میکند مشارالیه  
را ماهورین حکمت دستگیر و توقیف میکنند

انتخاب  
سمنان - قاضی قاسم خان برای  
تشکیلات نظامیه سمنان از مرکز زمین و مشغول  
الانظمامات امور نظامیه است و در سابق نظامیه  
این در خصوص حقوق عقب افتاده آژان ها  
بامالیه طرف حساب هستند هنوز به حساب  
آنها رسیده کن نشده  
انتخاب  
آقای مختارالدوله به معاونت وزارت  
پست و تلگراف منتخب گردیدند

وزارت مالیه  
اخبار نمده  
ولی خوشبختانه همه مردم از دزد  
بازاری وزارت مالیه خبر دارند  
نظامنامه  
جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران  
که در تحت ریاست عالی والا حضرت  
قدس ولایت مهد چندی است تشکیل  
شده اینک تدوین و یک نسخه آن با داره  
واصل - موفقت این جمعیت را از خداوند  
سألیم  
تولیت خراسان  
مطابق اطلاع خصوصی شاهزاده  
عین الدوله از طرف ذات هابونی به تولیت  
آستانه رضوی منصوب گردیده اند  
بلدیه  
مطابق اطلاع خصوصی دکتر  
میلر بابا لک شاهی مشغول مسکنه  
است که باعتبار حایات بلدیه مبلغ مهمی  
برای ساختمان خیابانها و نظیف شهر  
استقراض نماید

صفحه ۳۳

که ره دستکاری بریدی ؟  
مرغک هرزه کردی شدی تو  
روی من شالسا ری بریدی

تا که کشی زبون و فتنده  
می توانی ای دل و بدن  
کسر نخوردی فریب زمانه  
ایچو بدی ز خود بدی و پس  
همدم از یک ره و یک بهانه

نیستی قا بستی استراحت  
با فسانه تو را دوستاری است  
با فسانه تو را نمکساری است  
غالی دایم از وی کسر یزد  
بانو ویرا همه ساز کاری است  
میته لانی به از نو ندیده  
در بر این خسره به مقاره  
وین بلند آسمان و ستاره  
سال ها با هم افروخته بودید  
وز حوادث شده پاره پاره  
او نوراً بوسه دادی تو او را

اعلان

تذکر

انتخاب در یکی از جراید در قیل قسمت ادب انشاء شده بود با  
 (حسن سینی) نظر اینکه این صاحب سالها است که سالی را در  
 معروفیت نامیده و در هر باب از آن نام استفاده کرده است  
 چند این انشاء عجزاً تذکر می دهیم از انتخاب نام عاقلانه دیگران  
 است از آنزود و در هر بابی خاص با نام کامل خود که دیگر انتخاب کند و در

منظور اولا که باشد ولی در سایه و پرچم  
 لوی جمعیت اجتماعیهون مازندران این  
 قیل اشخاص از وکالت مخروم خواهند  
 شد  
 ۳ - شاهزاده نظام السلطنه حکومت  
 بار فروش از آنجا که قوم و خویش  
 قوام السلطنه میباشد با تمام قوا حاضر  
 و جدید می نمایند که قوام السلطنه را  
 مجدداً مساندت حال قیل بگری و کالت  
 بنشاند  
 ۴ - محمد جعفر معین الزها بیا  
 در بندی نو قیل و این قیوم بدون  
 محاکمه لطمه بزرگی آزادی مملکت وارد  
 آورده است  
 هیئت اجتماعیهون مازندران در بار  
 فروش بیان نامه منتشر و یک ورقه آن را  
 به اداره فرستاده اند تا نظر به شطب صفحات  
 از درج آن مودرت می خواهیم  
 قرن بیستم

محاکمه داد قوام السلطنه

آقای مدیر محترم:

تا بحال يك هفته است که عرض حال و شایسته در عدلیه داده ام از  
 السلطنه و بعد از چند روز رفت و آمد به هیئت مشاوره اداری محول  
 آقای وزیر عدلیه بعد از وقت زیادی رای دادند که بابتی در  
 مجلس شود و با اجازه مجلس ایشان را جالب به محاکمه نمود  
 آقای مدیر:

استدعا دارم که حضرات عالی قلمه این قانون را بیان بفرمائید که چه  
 بگنفر وزیر دیوانه را با طبقه سوم فرق گذاشته اند چیست  
 آیا در شرع محمد بین فقیر و غنی يك همچو فرقی گذاشته شده که بیکر  
 به محاکمه جنب و در حق دیگری احوال و تمایل کنند  
 و ما از مقام محترم رئیس مجلس و وکلای صالح تمنا میکنیم که تقاضای  
 فوری وزیر عدلیه را در خصوص محاکمه قوام السلطنه فوراً بدهند  
 سید حسن سبط الشیخ

خطاب

باز از بخوانان قدر شناس  
 آقای مدیر محترم مجاهد غیور اسلامی  
 که در فتوحات صدر مشروطه خدمات قابل  
 تقدیری بروز داده و درین چند ساله به  
 واسطه يك دامن و خاصیت کمالاً از  
 همتی ساقط و بسبب مشاهده اوضاع ناوار  
 وطن و خرابکاری و فساد اخلاق بعضی آزادی  
 خواهان صنوعی مایوس و دوجار امراض قلبی  
 و درونی گردیده حال بهر مرخصی از وای  
 در تحت محاجه است و خانواده اش بر ایشان  
 حال وی موش می باشد  
 آقایان قدر شناس و علاقه مندان وطن  
 مخصوصاً مسند نشینان دولت و ملت از وزراء  
 و کلا این است که بجهت خدمت و با کمالی  
 و شما آقای سیدالار اعظم و نظام الدوا  
 حکمران و کلاه آزادی خواهان و سایر مشروطه  
 خواهان استفاده چی راند کرمی و مهم موقع  
 بروز حمیت و ابراز قدر شناسی است  
 غرضی غیری  
 مودی آیدانی حسین غنی مجاهد و فدوی

مکتوب از بار فروش

۱ - حکومت کل آقای امیر اکرم  
 تا کنون در بار فروشی متوقف و مشغول  
 گردش و گیت خود میباشد  
 ۲ - بنا بر اطلاعات چون نمایان  
 مجلس شورای نزدیک و در همین زودیه  
 مشغول انتخابات جدید خواهند شد لذا از  
 طهران بجوای ساری مبلغ دو هزار تومان  
 وجه توسط کاشته آقای امیر حکومت  
 بار فروش رسیده و از حالا مشغول در  
 کاری میباشد و حدس فوری می رود که این  
 مبلغ از یارک قوام السلطنه خارج شده باشد  
 - آقای آقا شیخ جعفر نقه الاسلام بار  
 فروش هم صدای وکالت بگوشش رسیده

مستاد بی

هر رواج می و عمل جنگ می کنم  
 بامدی بگری که ای بد منش ترا  
 مشت از عقیده بردهن خصم میزنم  
 با نیروی عقیده می حمله می برم  
 بر سر شکستن دهن شیخ یا وه کدو  
 صد نقشه بر نقشه آبادی وطن  
 بادست خود زخون همه رخساره جهان  
 کاروان چروان برایشان و درم است  
 و زخون خصم چامه را رنگ می  
 آخر بچوب دار من آونک می  
 وز پیشرفت پای عدو انک می  
 من بر رقیب قافیه را رنگ می  
 دلمان خود همیشه پرار سنگ می  
 هر دم میان رنگ و به نیرنگ می  
 در پای این معامله کارلک می  
 این گفته رابه حجت و فر هنگ می  
 سید محمد نقی بهستانی متخلص به برایشان



صفحه ۳۶

(همه حصار فانی)

به آزان این قران های بر سخته با بد عجاوالت شود  
 آزان دست نریان علی را گرفته کتان میبرد  
 (دگر و نمرال) با مقام یا همه حصار میخواند  
 بد از این دگر شادمانی است  
 شادمانی است عکا مرانی است  
 دوزی او کند کینه روز کار  
 دوز دیگرش مهربانی است  
 دارد عمر مرد یا دکارها  
 عشق یا دکار جوانی است  
 بخواب آمد شب مرا خواب  
 چه خواب امشب تعبیر شد این خواب  
 باقبال آفرین به بخت احسن  
 شدم من مال و تو مال من  
 پرده می افتد

آقای سیدالار بار خودش را بار کرده و از  
 مشروطه آزادی آنجا باید کجایی بکنند کرده  
 است - آفرین هم کاسم برده اید هر کدام بنویس  
 خود آب و آجایی از انقلاب و زخرف مشروطیت  
 برای خودشان تهیه کرده اند و در این شهر  
 هم آدمها فوت و غیر تمندی ماسراخ نداریم  
 گمان میکنیم اگر وجود داشت سیدالارها  
 اینطور آزادانه دوشهر گردش نمی نمودند  
 امیر انتشار هم آودید و راحت  
 يك بابی خلی سکه عدلیه دارد و  
 استیفاء و تمیز دارد نمی توانستند بنشینند  
 آقای شمور از قول این نویسنده  
 بگویند حالا چند سالی سیر کیم و قهریده  
 تا تو فیک ماجراهای روی کارانیم و انتقام  
 چندین ساله شمارا از سیدالار ها و امثال  
 بگویم  
 و اگر عرصه روی کار آمدن ما چند  
 سال دیگر نشان دادیم ما هم می آئیم  
 مرخصی خدمت آقای شمور خان که از  
 آنجا بافتای ایشان ما را به بیخوابی های آب  
 انبار فاسد خان تسلیم نمایند و فیض رسیده  
 بگویند  
 نویسنده قرن بیستم

صفحه ۳۷

ای فسیله فسیله فسیله  
 ای خدایک تو را من ندیده  
 ای علاج دل ای داروی درد  
 همه گریه های شبانه  
 با من سوز در جبهه کاری  
 جیبی ای توان از غبارها  
 ای نشسته سر و هکدرها  
 از بسرها همه ناله درند  
 ناله تو همه از بدرها  
 تو که ای؟ مارت که؟ پدر که؟  
 چون ز گهواره بیرون آورد  
 مادرم سر گذشت تو من گفتم  
 بر من از رنگ روی تو می زد  
 دیده از جنبه های تو می خفت  
 می شدم پیش و محو مرقون  
 رفتی رفتی که ره او فادیم  
 از بی بازی بچسکا  
 هر زمانی که شب می رسیدی  
 و لب چسبه و ورود خانه  
 هر گجا فک تو می شنیدم